

سه شنبه 1 آذر 26 ذي الحجه 22 نوامبر

درگذشت استادعبدالسلام فيزيكدان و عالم مسلمان پاكستاني در سال 1375هجري شمسي ...

**درگذشت استادعبدالسلام فيزيكدان و عالم مسلمان پاكستاني در سال 1375هجري شمسي**

استاد عبدُ السلام فيزيكدان مسلمان و عالم برجسته پاكستاني در سال 1375هجري شمسي درگذشت. استاد عبدالسلام علاوه بر تدريس فيزيك نظري در كالج سلطنتي لندن، مديريت مركز بين المللي فيزيك نظري در تريست ايتاليا را نيز به عهده داشت. اين استاد عالم و مسلمان درسازمان ملل متحد نيز در سمتهاي مختلف انجام وظيفه کرده است. استاد عبدالسلام طی 4 دهه 20 جایزه بين المللي دريافت کرد که مهمترين آنها#171؛جایزه نوبل در رشته فيزيك» بشمار مي رود که به اتفاق دو تن ديگر از دانشمندان آمريکايي آن را دريافت کرد.

رحلت آيت الله شيخ محمد علی اراکی در سال 1373 شمسی

خلاصه ای از زندگی این بزرگ مرد عرصه دين و دانش:

ولادت :

او در 24 جمادی الثاني 1312 هـ. ق در اراك دیده به جهان گشود. پدرش شيخ احمد آقا، مشهور به ميرزا آقا فراهانی از علمای مشهور آن سامان بود. مادرش نيز از نوادگان امامزاده سيد حسن واقف است.

تحصيلات :

وی پس از يادگيري خواندن و نوشتن، در نوجواني وارد حوزه علميه اراك شد و مقدمات علوم اسلامي و دروس سطح را در آنجا فرا گرفت و تا سال 1340 هـ. ق در زاد گاه خود مشغول تحصيل بود و برای ادامه تحصيل به قم هجرت نمود و بعد از کسب فيض از محضر بزرگان آن حوزه به مقام شامخ مرجعيت رسيد.

اساتيد :

شيخ محمد علی اراکی از محضر اساطيني چون : استاد سيد جعفر شيثی ، سيد محمد تقی خوانساری ، شيخ محمد باقر اراکی معروف به سلطان آبادی ، شيخ آقا نور الدين اراکی و شيخ عبدالکريم حائری يزدي کسب علم نموده است.

تدريس :

شيخ محمد علی اراکی در طول بيش از 35 سال تدريس در حوزه علميه قم ، پيچيده ترين مباحث علمي را با گفتاری شيوا و بيانی رسا مطرح می کرد. از ويژگيهاي درس ايشان پرهيز از تکرار و زياده گویی بود. کلام را گزيده و پر معنی اداء می کرد. اعتقادشان بر اين بود که طالب علم بايد قبل از حضور در درس ، مطالعه نمايد. شيخ محمد علی اراکی پس از وفات سيد محمد تقی خوانساری به درخواست شماری از شاگردان او، به تدريس خارج فقه و اصول پرداخت. بسياری از استادان بر جسته حوزه علميه قم و مسئولان نظام جمهوري اسلامي سال ها از محضر ايشان کسب فيض نمودند.

تأليفات :

مرجع بزرگ تقلید شیعیان در طول عمر پر برکت خویش، کتاب هائی در علم فقه و اصول نوشته اند که آثار ایشان عبارتند از :

1 - تقریرات بحث مرحوم شیخ محمد سلطان العلماء اراکی.

2 - تقریرات درس فقه شیخ عبدالکریم حائری.

3 - تقریرات درس اصول فقه شیخ عبدالکریم حائری (3 دوره).

4 - حاشیه بر (درر الاصول) مرحوم شیخ عبدالکریم حائری.

5 - تقریر درس فقه سید محمد تقی خوانساری کتاب الطهارة.

6 - حاشیه العروة الوثقی.

7 - شرح مفصل العروة الوثقی - باب طهارت.

8 - توضیح المسائل.

9 - مناسک حج .

10 - رساله استفتائات .

11 - مقدمه بر تفسیر (القرآن و العقل).

12 - کتاب النکاح و الطلاق.

گفتار بزرگان :

مرحوم حاج احمد شیرازی در مورد ایشان چنین می گوید : خداوند به تو (یعنی به شیخ محمد علی اراکی) سه نعمت بزرگ عنایت کرده که به احدی نداده است : یکی استادی خداوند به شما داده که به احدی نداده (منظورشان مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری بوده است) و نیز یک پدری هم به شما داده است که به احدی نداده، خداوند عیالی به شما داده که به احدی نداده است (از فضل و تقوی).

استاد محمود شاهرخی، از شاعران شهیر انقلاب درباره دیدارش با شیخ محمد علی اراکی می گوید : در خلال شبهای شعر فیضیه به محضر شیخ محمد علی اراکی مشرف شدیم چه دیداری ! سخت بهجت خیز و عبرت انگیز! دیدار مردی بزرگ که آثار گذشت زمان بر سیمای مبارکش پدیدار بود و انوار معرفت از پیشانی روشنش ساطع . او مظهر و جلای روحانیت سخت کوش شیعه می باشد. در اتاقی محقر و ساده تر از ساده ، آن بزرگ را دیدار کردیم که با ضعف مفرط مزاج ، لباس رسمی پوشیده و بر روی چهار پایه ای استقرار یافته بود. پس از به جای آوردن معارفه، آن بزرگ سخنانی مبسوط و ممتع و مواعظی رسا و بلیغ ایراد کرد که همگان را سخت متأثر ساخت، که از غایت شور و تأثیر بیانات ایشان اکثر حاضران اشک از دیدگان جاری ساختند. مکرر به ابیاتی از عارفان صاحبدل، از جمله شیخ شیراز و شیخ شبستری و شیخ بهایی استشهاد و استناد می فرمود و خود می گریست.

خصوصیات اخلاقی :

شیخ محمد علی اراکی به عبادت خیلی اهمیت می داد. قبل از اذان صبح بیدار می شد، و یک جزء قرآن می خواند در ماه رمضان روزانه سه جزء قرآن می خواند. در نافله های شبهای جمعه، در قنوت، دعای کمیل می خواند.

وقتی به ایشان پیشنهاد کردند که نماز جماعت را به خاطر افراد کهنسال و مریض، زیاد طول ندهید. فرمودند : از من پیرتر و ضعیف تر، در نماز کسی هست !؟

او محضر گرم و با صفا، سخنان عالمانه و حکمت آمیز داشت.

مرجعیت :

پس از رحلت حضرت امام (ره) در سال 1409 هـ. ق، بویژه پس از رحلت حضرت آیه الله گلپایگانی (ره) يك حالت خاص در جامعه اسلامی پیش آمد که می توان از آن وضع موجود با عبارت خلا مرجعیت متمرکز و جا افتاده تعبیر آورد چون اغلب مجتهدین و مدرسین محترم در شرایط خاص تساوی شأن و شهرت قرار داشتند، انتخاب و گزینش یکی و تقدیم یکی بر دیگری خالی از اشکال و عاری از نقص نبود.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بیش از هر نهاد دیگر، مرجعیت ایشان را مطرح ساختند، و بر اساس این گزینش، تبلیغات را آغاز نمودند در پی این اقدام بود که برخی از وزنه های علمی حوزه مطالب و گفتگوهایی را انجام دادند.

در این گفتار به برخی از خصوصیات و ویژگیهای معظم له اشاره شده است.
1 - حضور علمی و فقاہت تام.

2 - تقوی، عدالت و وارستگی.

3 - مرجعیت مایه هراس دشمنان و امید دوستان.

4 - توحید در ترس : آنکه می ترسد و فقط از خدای سبحان می ترسد، نظیر امام راحل (ره)

و در زمان غیبت جای امام می نشیند و این وصف انبیا و اولیا است ذات اقدس الله در سوره مبارکه احزاب، انبیا و مبلغان الهی و پیام آوران حق را چنین وصف می کند.

فعالیت :

اقدامات اجتماعی و سیاسی :

1 - مشارکت در تأسیس حوزه علمی قم.

2 - اقامه نماز جمعه .

3 - امامت جماعت .

4 - همگامی با انقلاب اسلامی .

5 - حمایت از دفاع مقدس .

6 - تأیید و تقویت رهبری بعد از رحلت امام .

7 - پیامها در مقاطع حساس .

وفات :

مرحوم شیخ محمد علی اراکی پس از يك قرن و اندی عمر توأم با وارستگی و قداست، در اول آذر ماه سال 1373 هـ. ش مطابق با 1415 هـ. ق با بروز يك عارضه عروقی در بیمارستان شهید رجایی تهران ندای (ارجعی الی ربك) را لبیک گفت و انبوه مقلدان و پیروان خود را در غم و اندوه فرو برد با اعلام خبر ارتحال آن مرجع عالیقدر تمام بلاد ایران اسلامی عزادار شده و یکسره به سوگواری پرداختند و بعد از تشییع با شکوهی پیکر پاک آن فقید فرزانه را در حرم مطهر حضرت معصومه در قم به خاک سپردند.

استقلال کشور لبنان در جریان جنگ جهانی دوم در سال 1943 میلادی

در جریان جنگ جهانی دوم در سال 1943 میلادی کشور لبنان به استقلال رسید. لبنان بعد از خروج از تسلط عثمانی بنا بر تصمیم جامعه ملی تحت سرپرستی فرانسه قرار گرفت. اما سرانجام فرانسه در سال 1943 میلادی استقلال لبنان را برسمیت شناخت. قابل توجه است که در زمان نفوذ فرانسوی ها در لبنان، فاصله طبقاتی میان مسیحیان ثروتمند و عربهای مسلمان بسیار زیاد شده بود. لبنان در خاورمیانه واقع و با سوریه و رژیم اشغالگر صهیونیستی مرز مشترک دارد.

کشور لبنان، به عنوان کوچکترین سرزمین خاورمیانه (پس از بحرین) با 10400 کیلومتر مربع در شمال فلسطین اشغالی، جنوب و غرب سوریه و شرق دریای مدیترانه واقع است. لبنان از دو منطقه کوهستانی تشکیل شده که در میان این دو منطقه دره بقاع واقع شده که دو رودخانه لیتانی و اورنتس در آن جریان دارند. این دره مهمترین منطقه کشاورزی لبنان به حساب می آید. لبنان تنها کشور خاورمیانه است که فاقد بیابان می باشد. آب و هوای آن مدیترانه ای کوهستانی می باشد.

لبنان سابقه تاریخ زیادی داشته و قدمت آن به دهها قرن قبل می رسد. کنعانیان در اواسط هزاره سوم ق.م وارد این کشور شده و حکومتی را تشکیل دادند. یونانیان این قوم مهاجر را فنیقی نامیدند فنیقی ها نخستین امپراطوری بازرگانی جهان را بوجود آورده و پایه های اولین تمدن را در این سرزمین بر جای نهاده و خط را اختراع نمودند. در 5/5 ق.م هخامنشیان لبنان را فتح کردند و در سال 64 ق.م این کشور زیر سلطه روم قرار گرفت و با تسلط روم شرقی (بیزانس) بر آن، مسیحیت رواج پیدا کرده و فرهنگ رومی اوج پیدا کرد. با شکست هراکلیوس فرمانده رومی در عصر خلیفه دوم مسلمین، مسلمانان، این منطقه را به تصرف خویش در آوردند. ابوذر غفاری یکی از بزرگترین صحابه پیغمبر اکرم(ص) که در این سرزمین به حالت تبعید به سر می برد در میان مردم جبل عامل که اغلب مسیحی بودند به تبلیغ آئین اسلام پرداخته و بذر اسلام و عشق به دودمان پیامبر را در قلب آنان کاشت و پرورش داد. حکومت دمشق از این حرکت ابوذر عصبانی و او را به بیابان ربه تبعید نمود. از قرن هفتم مسیحیان مارونی به لبنان روی آوردند. و در ارتفاعات شمالی سکنی گزیدند. در اواخر قرن یازدهم، لبنان همراه بسیاری از نقاط این ناحیه جزو قلمرو مسیحیان گردید. با وجود آنکه صلاح الدین ایوبی منطقه را تماما از وجود صلیبی ها پاک نمود، تعدادی از دستجات صلیبی در کوههای لبنان، سوریه و فلسطین باقی مانده که بعدا تشنج های زیادی در منطقه بوجود آوردند. با وجود آنکه اکثر نیروهای صلاح الدین ایوبی از شیعیان بودند از دلاوری آنان نگران شده و پس از پیروزی بر مسیحیان، به قتل عام آنان پرداخت.

در زمان سلطه عثمانیان، احمدپاشا جزار که از سوی دولت عثمانی فرمانروای شهر عکاء بود، چندین بار به شیعیان حمله کرد تا آنان را شکست داد و جبل عامل را زیر نفوذ خود گرفت. وی پس از پیروزی بر شیعیان فرمان قتل عام آنان را صادر کرد و دستور داد همه کتابهای شیعه را به پایخته برده و بسوزانند، مدت يك هفته حمامها و نانوائی های شهر عکاء با کتابهای علمای شیعه می سوختند. شهید اول و شهید ثانی از علمای این خطه هستند که توسط حکومت وقت شام، به شهادت رسیدند.

در سال 1843 م دربار عثمانی تحت فشار دول بزرگ، لبنان را به دو قائم مقام از میان فئودالهای بزرگ سپرد یکی مسیحی به قائم مقامی مارونی ها و دیگری دروزی که این اقدام اوضاع لبنان را آشفته تر کرد و درگیریهای خونینی را بین دروزی ها و مارونیها پدید آورد. منازعات مذکور و بخصوص قتل عام مسیحیان مارونی توسط دروزی ها در سال 1860 م موجب آن شد که ناپلئون سوم امپراطور فرانسه آن را دستاویز قرار داده و به بهانه کمک به مسیحیان، مستقما در لبنان مداخله نماید. در سال 1923 م جامعه ملل، سوریه و لبنان را تحت قیمومیت فرانسه قرار داد. سر انجام در سال 1945 م با استقلال این کشور موافقت شد و لبنان عضو سازمان ملل متحد گردید اما دست پروردگار فرانسوی یعنی مارونی ها حکومت این کشور را در دست گرفتند و چون قانون اساسی لبنان که در سال 1926 م از قانون اساسی فرانسه اقتباس گردید به مردمان این کشور به صورت مجموعه ای از طوایف می نگرد، آزادی و مساوات در لبنان مورد مخاطره قرار گرفت. بر طرق این قانون رئیس مجلس از شیعیان انتخاب می شود که ناگزیر است توازن طایفه ای حاکم در مجلس و حکومت را رعایت کند، در واقع این فرد تابع شخص رئیس جمهور است.

در پی جنگ 1948 م گروهی از آوارگان فلسطینی به جنوب لبنان آمدند و در همین سال قوای صهیونیستی 14 روستای این کشور را در منطقه جبل عامل تصرف نمودند. در این جنگ 2000 نفر از شیعیان لبنان به شهادت رسیده و 75% روستاها و شهرهای آنان در این نبرد هفت روزه ویران می گردد.

در سال 1958 م که فلانژهای لبنان به قدرت زیادی دست یافته و مسیحیان از 66 کرسی 55 کرسی را به خود اختصاص دادند جنبش های مردمی شدت یافت و کامیل شمعون رئیس جمهور وقت که موقعیت خود و فلانژها را در خطر دید طی پیامی از آمریکا خواست تا به مداخله نظامی در لبنان اقدام کند که در 15 ژوئیه 1958، 14300 تفکندار آمریکائی وارد بیروت شده و به سرکوبی شدید تظاهر کنندگان پرداختند. از زمان استقرار فلسطینی ها در لبنان حملات اسرائیل غاصب بر این کشور فزونی گرفت و در تهاجم های متوالی آن، تعداد زیادی کشته و مجروح گشته و نقاط مسکونی و مراکز تجاری و صنعتی قابل توجهی ویران گشته است. در سال 1978 م اسرائیل جنوب لبنان را تا رودخانه لیتانی اشغال نمود که پس از چندی عقب نشینی نمود و از آن پس این سوئیس خاورمیانه هگز

روی آرامش را ندید زیرا از يك طرف انبوه هواپیماهای اسرائیلی محموله های مرگبار را به طور گسترده بر سر مردم فرو می ریخت و توپخانه های آنها از راه دریا و خشکی بیروت را هدف گرفته و بمبهای فسفری و خوشه ای سینه زنان و کودکان و پیرمردان را بدون هیچ ترحم و انسانیتی آماج خود قرار می دهد، و از سوی دیگر فالانژها عده ای را زنده زنده در آتش سوزانیده و با بمب گذاری، ترور و شکنجه آرامش را از مسلمان و بخصوص شیعیان گرفته اند.

در سال 1982 م اسرائیل با نیروهای زیاد و سلاحهایی بی شمار جنوب لبنان را مورد حمله شدید قرار داد این تهاجم وضع اسف انگیز و توام با فاجعه برای آواردگان فلسطینی که در جنوب لبنان مستقر بودند پدید آورد اوضاع برای جنگجویان محاصره شده بسیار سخت و پیچیده گردید.

مرکز لبنان شهر بیروت و دیگر شهرهای آن: طرابلس، جبیل، صیدا، صور، زحله و بعلبك است. منطقه جبل عامل با فلسطین و قدس رابطه دارد و محل نزول وحی بر پیامبران می باشد و در هر گوشه از آن مرقد پیامبر دیده می شود. شیخ بهاء الدین عاملی از دانشمندان شیعه است که در عصر صفوی به ایران آمد. در قرن یازدهم میلادی عده زیادی از شیعیان به لبنان کوچیده و در آنجا سکنی گزیدند از آن جمله آل عمران در طرابلس و آل عامله در جنوب لبنان و گروهی نیز در بعلبك بیروت و جبیل اقامت یافتند.

در لبنان 3/5 میلون نفر زندگی می کنند که 0/85 در کانونهای شهری هستند رشد جمعیت 0/2/4 و تراکم نسبی آن 286/5 در کیلومتر مربع است. مردم آن اغلب از نژاد تیره سامی بوده و از 16 فرقه مذهبی آن 0/62 مسلمان هستند شیعیان اکثرا در جبل عامل ، صور شرق بعلبك اطراف بیروت و کوهستانهای شامل سکونت دارند در وزی ها که پیرامون مذهب اسماعیلیه هستند و مکتب آنها در اوایل قرن یازدهم توسط محمد درزی پایه ریزی شده به 400000 نفر بالغ می گردند که در جبل لبنان، کوههای شوف مناطق راشیا زندگی می کنند. اهل تسنن که به نیم میلیون نفر می رسند در شمال لبنان بوده و از ناسیونالیسم عربی حمایت می کنند.

مسیحیان که قدرت نظامی، سیاسی لبنان را در اختیار دارند شامل طایفه های مارونی کاتولیک، ارتدوکس و ارمنی هستند. گروههای کوچکی چون یهودیان، سریانی ها و نسطوریان نیز در این کشور زندگی می کنند.

بینان گذار شیعه در لبنان ابوذر غفاری است. بدنبال استقلال لبنان، رهبری شیعیان به عهده سید عبد الحسین شرف الدین بود. این مجاهد بزرگ شیعه که خود نمونه ای از تقوا و علم و مجاهدت بود در مدت پنجاه سال اقامت در شهر صور، مدام در تبلیغ فرهنگ ائمه و اتحاد مسلمین کوشید وی مردم را به نقشه های استعمار واقف ساخت و آنان را به مبارزه با طاغوت دعوت نمود. فرانسوی ها برای انتقام از این عالم شیعی، کتابخانه اش را در شهر صور به آتش کشیدند و در صدد دستگیری ایشان بودند اما مردم خشمگین جبل عامل که به شهر صور آمده بودند فرانسویان را از این تصمیم خود منصرف نمودند.

سید شرف الدین در بستر بیماری وصیت می کند که مردم بعد از وی، امام موسی صدر را که در قم تحصیل می کند برای رهبری بیاورند و خود در سال 1956 م فوت می کند. سرانجام برای تحقق وصیت این عالم و با تاکید حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره)، امام موسی صدر در اواخر سال 1959 م به لبنان می رود با تلاشهای وی در سال 1969 م مجلس اعلاى اسلامی شیعیان بوجود آمد که پارلمان لبنان آن را تصویب نمود. این حرکت باعث شد که شیعیان احساس هویت و شخصیت کنند.

از سوی دیگر برای متشکل شدن جوانان لبنان با همکاری امام موسی صدر و دکتر مصطفی چمران حرکت المحرومین و جنبش امل بوجود آمد. با پیروزی انقلاب اسلامی، شیعیان لبنان فرصت مناسبی برای ابراز عقیده یافتند. دشمنان که مشاهده کردند ممکن است امام موسی صدر با الهام از این انقلاب و کلام نافذ خود، دنباله رسالت امام خمینی (ره) را در لبنان پیاده کند، رهبر شیعیان را از آنان گرفتند. شهید شیخ راغب حرب درباره تاثیر انقلاب اسلامی بر لبنان می گوید:

&171#؛ ما زمانی در حال ترس و اضطراب از حمله و تعرض دشمن به سر می بردیم ولی اکنون در پرتو انقلاب اسلامی ایران، این دشمن است که از ما و اسلام بوحشت افتاده است .»

از اثرات انقلاب اسلامی بر لبنان این بود که ماهیت رهبران محافظه کار را آشکار نمود و حزب الله لبنان به عنوان مظهر انقلاب اسلامی قلمداد شد. حزب الله بدنبال تجاوز نیروهای اسرائیلی در سال 1982 م در شرق لبنان بوجود آمد. علامه سید محمد حسین فضل الله رهبر قبل حزب الله می گوید:

&171#؛ تولد حزب الله در لبنان بخشی از مبارزه سراسری اسلامی است و سازمانی است که از مفاهیم اسلامی زائیده شده است «

بر خلاف آنکه لبنان فاقد مواد اولیه می باشد و در آشوب و جنگ داخلی می سوزد و مدام مورد تجاوز غاصبین صهیونیستی قرار می گیرد اما در توسعه اقتصادی از کشورهای مجاور موفق تر بوده است. در این کشور 2500 کارخانه وجود دارد. جنگلهای بادام و زیتون

اطراف بیروت و سواحل، چشم اندازهای زیبائی بوجود آورده که بر جاذبه توریستی این کشور افزوده است بنحوی که در سال 1975 م حدود 250 میلیون دلار از طریق جهانگردی در آمد داشت که 20 درصد در آمد ملی را تشکیل می داد. تا قبل از جنگ داخلی لبنان از قطب های تجاری بود بطوریکه روزانه 120 کشتی در سواحل بیروت در انتظار تخلیه بارهای خود بودند. لبنان دو پالایشگاه مهم نفت در شمال و جنوب دارد. در نواحی ساحل و دره های اطراف آن، انواع میوه از جمله سیب، موز، زیتون و مرکبات با کیفیت بالا بدست می آید. در دره بقاع پنبه و غلات تولید می شود. واحد پول لبنان لیره (پوند) لبنان است.

اختراع گرامافون در سال 1877 میلادی

توماس ادیسون مخترع برق گرامافون را در سال 1877 میلادی اختراع کرد. گرامافون ادیسون از یک استوانه با پوشش نازکی از قلع ساخته شده بود که با کمک دست به چرخش در می آمد. به هنگام صحبت در لوله استوانه ای شکل عملیاتی در آن صورت می گرفت و در نتیجه ارتعاشهای مکانیکی صدا ضبط می شد. ادیسون برای اختراع گرامافون 7 سال آزمایش و تحقیق کرد.